

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

پنجشنبه ۰۴ جولای ۲۰۲۴

نویسنده: مرجان کمال

بازنگری و تبصره: حمید انوری

از لابلای کتاب ماندگار

“افغانستان در تلاطم تاریخ”

قسمت سی ام

کتاب ماندگار زنده یاد "مرجان کمال" را دنبال میکنیم و باز هم درنگی میکنیم بر ولایت زیبای لوگر. روانشاد "مرجان کمال" در یک قسمت بعدی کتاب ماندگار شان چنین ادامه میدهند:

"... در یک منطقه در کنار هم بودن بین دو نمونه ای تشکیلات اجتماعی که یکی آن عبارت از محدودیت و قید و بند های محیطی مناطق کوهستانی می باشد، موجودیت تفاوت بین ساختار های تولیداتی، و دیگری دره های هموار که دارای ارتفاع پائین و تولیدات زیاد می باشند، توضیح و تشریح می شود.

و این دو بخشی بودن تولیدات در مناطق هموار و مناطق مرتفع از نقطه نظر اصطلاح سیاسی خود را با تقابل بین مناطقی که گفته می شود "ننگ" (nang)، که دارای تولیدات کم بوده و به صورت اندک با ادارات دولتی ارتباط دارند. مثل ولسوالی های جنوب و شرق ولایت لاهور، و برعکس در جاه هائی که قلنگ (qalang) گفته می شوند، در آن جا ها دولت حضور داشته و مالیات اخذ می کند.

اصطلاح "ننگ" به غیرت، شرف، آبرو، حیثیت و افتخار اطلاق می شود، که به اهالی مناطق کوهستانی، که از نقطه نظر نژادی و قبیله ای با هم بسیار نزدیک بوده و دارای ارزش هایی مانند غرور، شجاعت و دلاوری هستند، با مناطق قلنگ که دولت را یعنی یک قدرت سیاسی خارج از تشکیلات محل را قبول می کنند، در تقابل قرار دارند..."

با این اصطلاحات وطنی، این کمترین برای بار اول از قلم سحر زنده یاد "مرجان" آشنا شدم و قبل بر آن هرگز نه شنیده بودم و نه هم خوانده. اصطلاحات زیبایی وطنی و محلی ما هستند که قبلاً یا در هیچ کتاب تاریخ ذکری از آنها نرفته بوده است و یا هم اگر چنین بوده باشد، از نظر این هیچمدان هرگز نگذشته بود.

این اصطلاحات قشنگ در شعر زنده یاد "عشقری" چنین زیبا به کار گرفته شده است:

صاحب اساس بودم و گشتم ملنگ هم

دادم زکات مال و گرفتم قلنگ هم

آئینه شکسته ما را که میخرد

خورد است موریانه و بگرفته زنگ هم

فرهاد را مگو که به یک تیشه مرده است

صد داغ بر سرش بود از ضرب سنگ هم

دیگر ترا بمن چه سر آزمایش است

کز مال و سر گذشتم و از نام و ننگ هم

سر تا بیای جرمن و پاریس کافتم

مثلت نیافتم بخدا در فرنگ هم

تنها مرا فریب ندادست چشم یار

لعل لبش بمن زده بسیار رنگ هم

از کشت و کار اهل محبت بهر زمین

ناخن شیر روید و خشم پلنگ هم

آن برهمن به من نشود رامم از چه رو

زنار بسته کردم و خواندم گرنگ هم

در حیرتم چه وصف نمایم رقیب را

طبع کلفت دارد و وضع دبنگ هم

دردانه که میطلبیدم نیافتم

کردم سراغ گرچه بکام نهنگ هم

من سوختم ز شیوه گرگ آشنایت

در عین صلح میزنی الفاظ جنگ هم

منظور نیک و بد بود آثارم عشق‌ری

بیت سلوک دارم و فرد جفنگ هم

یک مثل پشتو هم در همین زمینه چنین شعر است:

"غر ننگ و خور او دامان قلنگ و خور"

د غرونو خلک دشمنیو، رقابتونو و خورل، او د هواری خلک لورو دولتی مالیاتو و خورل . پس نتیجه گرفته می شود که در مناطق صعب العبور، باشندگان آن در اثر دشمنی ها و رقابت ها از بین میرفته اند و در مناطق هموار و سهل الورد، مالیات بیش از حد و زیاد دولتی آنان را زمین گیر کرده بوده است و این همان "ننگ" و "قلنگ" است که روانشاد "مرجان کمال" در کتاب ماندگار خویش در مورد ولایت زیبای لوگر، از آن یاد کرده است.

شاید در دیگر مناطق افغانستان نیز اینگونه مناسبات عصر حجر وجود داشته باشد که با درد و دریغ از آن اطلاعی در دست نیست و در کدام کتابی از آن تذکری داده نشده است و یا هم این کمترین از آنها بی اطلاع هستم.

پس نتیجه می شود اینکه، "ننگ" همان است که روانشاد "مرجان کمال" آنرا با دقت و بخوبی و صراحت در کتاب ماندگار خود، معنی کرده و تشریح داده اند، اما قلنگ را من هنوز نتوانسته ام معنی دقیق در کتاب های لغات بیابم؛ اما قراریکه فهمیده می شود و قراریکه خواهر دراک ما زنده یاد "مرجان کمال" آنرا به خوبی تشریح نموده اند، عبارت از یک نوع معامله و داد و گرفت در اراضی هموار تواند بود که بخوبی معنی "تو به من که من به تو" را نمایانگر باشد.

البته آن عده از هموطنان ما که به زبان زیبای پشتو تسلط دارند و از این نوع قرارداد های اجتماعی اطلاع دارند، می توانند در تکمیل این مبحث سهم گرفته و وظیفه ملی و ایمانی و میهنی و وجدانی خود را انجام دهند، که در آنصورت از آنان سپاسگزار خواهیم بود.

ادامه دارد